

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: آلستر کروک
برگردان: مجله جنوب جهانی
فرستنده: عثمان حیدری
۱۸ جولای ۲۰۲۵

غرور ترمپ و دگرگونی جنگ‌های جاری

«اشتباهات ترمپ به سرعت به تشکیل قدرتمندترین ائتلاف نظامی، اقتصادی و ژئواستراتژیک در دوران مدرن منجر شده است: محور سه‌گانه روسیه، چین و ایران...»

پرسش بزرگی که از حمله ۲۲ جون آمریکا به ایران (که تنها از پرسش «آیا ایران تضعیف خواهد شد؟» کم‌اهمیت‌تر است) پدید می‌آید، این است که آیا ترمپ، بر اساس محاسبات خود، می‌تواند ادعای «نابود کردن» برنامه هسته‌ای ایران را برای مدت کافی به صورت «لفظی تحمیل» کند تا از حمله مجدد اسرائیل به ایران جلوگیری کرده و همزمان با تیتز جنجالی خود پیش برود: «ما پیروز شدیم: اکنون من فرماندهی می‌کنم و همه باید از دستورات من اطاعت کنند». این‌ها مسائل اصلی بودند که این هفته در دیدار نتانیاهو با کاخ سفید مورد بررسی قرار گرفتند. علاقه نتانیاهو اساساً به یک «جنگ داغ‌تر» و شدیدتر معطوف است که با استراتژی کلی ترمپ مبنی بر آتش‌بس متفاوت است.

استراتژی ترمپ و طرح «ابر بزرگراه تجاری»

در استراتژی «ورود، اوج، خروج و آتش‌بس» ترمپ با ایران، این تصور نهفته است که او فضای لازم را برای از سرگیری هدف اصلی خود ایجاد کرده است: ایجاد نظامی گسترده‌تر در سراسر خاورمیانه با محوریت اسرائیل، بر پایه توافقات تجاری، روابط اقتصادی، سرمایه‌گذاری و اتصال، به منظور ایجاد یک آسیای غربی تحت رهبری شرکت‌های آمریکایی و با مرکزیت تل‌آویب (با ترمپ به عنوان «رئیس‌جمهور» بالفعل آن). و از طریق این «ابر بزرگراه تجاری»، فراتر از کشورهای خلیج فارس، به قلب جنوب آسیا، جایی که کشورهای بریکس (BRICS) حضور دارند، حمله کند تا اتصال و کریدورهای بریکس را مختل کند. شرط لازم و حیاتی برای هرگونه پیشبرد «توافقات ابراهیم ۲۰۰» (به زعم ترمپ)، پایان جنگ غزه، خروج نیروهای اسرائیلی و بازسازی نوار غزه است (که هیچ یک در حال حاضر دستیافتنی به نظر نمی‌رسند).

واقعیت موجود و خطای محاسباتی ترمپ

آنچه در واقع پدیدار می‌شود، این است که ترمپ همچنان در توهمی آشفته گرفتار است که دیدگاه اسرائیل محور او تنها با پایان دادن به نسل‌کشی در غزه قابل تحقق است، اما جهان با وحشت نظاره‌گر ادامه حملات نظامی هژمونیک اسرائیل در سراسر منطقه است.

واضح‌ترین نقص در فرضیه ترمپ این است که حملات اسرائیل و امریکا به نحوی منجر به «درس گرفتن» ایران شده است. دقیقاً عکس این اتفاق افتاده است. ایران متحدتر، مصمم‌تر و سوال برانگیزتر شده است. ایران به جای این که به تماشای منفعلانه از حاشیه محکوم شود، اکنون پس از تحولات اخیر، موقعیت خود را به عنوان یک قدرت منطقه‌ای پیشرو بازیابی می‌کند. قدرتی که در حال آماده‌سازی پاسخی نظامی است که در صورت حمله مجدد اسرائیل یا امریکا، می‌تواند قواعد بازی را تغییر دهد.

شکست ستراتیژی شوک و وحشت اسرائیل

آنچه در تمامی این ادعاهای غربی نادیده گرفته می‌شود، این است که اسرائیل تصمیم گرفت همه چیز را بر روی یک حمله غافلگیرکننده «شوک و وحشت» شرط‌بندی کند. حمله‌ای که جمهوری اسلامی را یکبارہ سرنگون کند. این طرح موفق نشد: هدف ستراتیژیک شکست خورد و نتیجه‌ای عکس به بار آورد. اما نکته اساسی‌تر این است که تکنیک‌های به کار گرفته شده توسط اسرائیل – که ماه‌ها، اگر نگوئیم سال‌ها، آماده‌سازی نیاز داشتند – اکنون که طرح‌های آن‌ها به طور کامل آشکار شده است، نمی‌توانند بسادگی تکرار شوند.

این سوءتفاهم از واقعیت ایران توسط کاخ سفید نشان می‌دهد که تیم ترمپ فریب غرور اسرائیل را خورد که اصرار داشت ایران یک قلعه پوشالی است و پس از اولین ضربه «عضله» سرفرماندهی اسرائیل در ۱۳ جون، آماده فروپاشی کامل در فلج بود.

این یک اشتباه اساسی بود، در الگویی از اشتباهات مشابه: این که چین در برابر تهدید تعرفه‌ها تسلیم خواهد شد؛ این که روسیه می‌تواند مجبور به آتش‌بسی خلاف منافعش شود؛ و این که ایران پس از ۲۲ جون، مایل به امضای یک سند تسلیم بی‌قید و شرط در برابر تهدیدات ترمپ خواهد بود.

آشکار شدن ضعف غرب در پس غرور

آنچه این اشتباهات امریکا نشان می‌دهد – علاوه بر جدائی مداوم از واقعیت‌های ژئوپلیتیکی – ضعف غرب است که در پس غرور و لاف‌زنی پنهان شده است. نخبگان امریکائی به برتری رو به زوال خود چسبیده‌اند؛ اما با انجام این کار به طور ناکارآمد، تشکیل یک ائتلاف ژئواستراتژیک قدرتمند را با هدف به نبرد فراخواندن امریکا تسریع کرده‌اند.

بیداری جهانی و تغییر مسیر جنگ

نتیجه این امر، بیداری سایر کشورها به دلیل لغزش غرب به سمت نقشه‌های دروغین و فریب آشکار بوده است: عملیات «تار عنکبوت» علیه ناوگان بمب‌افکن‌های ستراتیژیک روسیه در آستانه مذاکرات استانبول و حمله غافلگیرکننده امریکا-اسرائیل به ایران دو روز قبل از دور بعدی مذاکرات هسته‌ای بین دو کشور، اراده مقاومت را به ویژه در چین، روسیه و ایران افزایش داده است، اما به طور کلی در سراسر جنوب جهانی نیز احساس می‌شود. کل ماهیت این جنگ برای حفظ برتری دالر امریکا به طور برگشت‌ناپذیری تغییر کرده است.

همگان در حالت آماده‌باش هستند و با شواهد موجود، انتظار شکست ناتو در اوکراین را می‌کشند، غرب جنگ سرد جدید را در جبهه‌های مختلف تشدید می‌کند: در بحیره بالتیک؛ قفقاز؛ مرزهای ایران (از طریق حملات سایبری) و البته از طریق تشدید جنگ مالی در تمام زمینه‌ها.

ترمپ دوباره ایران و هر کشوری را که نفت آن را بخرد، به تحریم تهدید می‌کند. روز دوشنبه، ترمپ در «تروت سوسیال» اعلام کرد که تعرفه جدید ۱۰ درصدی را بر «هر کشوری که با سیاست‌های ضدآمریکائی بریکس همسو شود» اعمال خواهد کرد.

واکنش کشورها و ناتوانی امریکا در مهار مالی

طبیعتاً، کشورها در حال آماده شدن برای این تشدید هستند. تشنج در همه جا رو به افزایش است. آذربایجان (و حتی ارمنستان) توسط قدرت‌های ناتو و ترکیه علیه روسیه و ایران مورد استفاده قرار می‌گیرند. آذربایجان برای تسهیل پرتاب پهپادهای اسرائیلی به سمت ایران استفاده شد و حریم هوائی آن نیز توسط هوایماهای اسرائیلی برای پرواز بر فراز بحیره خزر مورد استفاده قرار گرفت تا اسرائیل بتواند راکت‌های کروز را از حریم هوائی آذربایجان بر فراز بحیره خزر به سمت تهران پرتاب کند.

کردستان عراق، قزاقستان و مناطق مرزی بلوچستان به عنوان بسترهایی برای نفوذ واحدهای خرابکاری به روسیه و ایران با هدف قرار دادن راکت‌ها، پهپادها و واحدهای خرابکاری برای یک جنگ نامتقارن استفاده شده‌اند. در جبهه دیگر این جنگ در حال تشدید، ترمپ به سرعت در حال نهائی کردن یک سری توافقات تجاری در اقیانوس آرام، با اندونزی، تایلند و کامبوج است. هدف ایجاد یک سد از تعرفه‌های ویژه بالاتر در اطراف توانائی چین برای استفاده از «ترانس‌شیپمنت»، یعنی کالاهائی که از چین به کشورهای دیگر وارد می‌شوند و سپس به ایالات متحده صادر می‌شوند، است.

ایالات متحده این سابقه را از طریق ویتنام ایجاد کرد، با تعرفه ۴۰ درصدی بر ترانس‌شیپمنت که دقیقاً دو برابر مالیات ۲۰ درصدی بر محصولات تولید شده در ویتنام است.

شکست ستراتیژی تعرفه‌نی ترمپ

فقط این که ستراتیژی ترمپ برای اعمال تعرفه برای بازگرداندن فعالیت‌های صنعتی و نگه داشتن بقیه جهان تحت سلطه دالر کار نمی‌کند: ابتدا، ترمپ مجبور شد یک مهلت ۹۰ روزه برای تعرفه‌های روز آزادی به امید دستیابی به ۹۰ توافق در این مدت اعلام کند؛ با این حال، تنها سه توافق چارچوب امضا شد.

بنابراین، دولت اکنون مجبور است مهلت را یک بار دیگر (تا اول اگست) تمدید کند. بسنت، وزیر خزانه‌داری امریکا، اعلام کرده است که بسیاری از ۹۰ کشوری که در ابتداء مشمول تعرفه شده بودند، حتی تلاشی برای تماس با امریکا برای رسیدن به توافق نکردند.

توانائی مجازات مالی کسانی که از دستورات امریکا سرپیچی می‌کنند، در حال پایان است. جایگزین شبکه دالر وجود دارد. و این یک «ارز ذخیره جدید» نیست.

جایگزین، راه حلی است که چین پیش‌بینی می‌کند: ادغام پلتفرم‌های پرداخت خرده‌فروشی فین‌تک با چارچوب‌های دیجیتالی بانک‌ها و بانک مرکزی، بر پایه بلاکچین و سایر فناوری‌های دیجیتال. (ایالات متحده نمی‌تواند این رویکرد را تکرار کند، زیرا سیلیکون‌ولی و وال‌استریت در جنگ هستند و همکاری نخواهند کرد).

پیامدهای اشتباهات ژئوپلیتیک

همانطور که ویل شرایور، مؤرخ و متخصص درگیری‌های جنگی، چند سال پیش به طعنه اشاره کرد: «سری ظاهراً بی‌پایان اشتباهات ناشی از غرور امپراتوری، به سرعت به تشکیل قدرتمندترین ائتلاف نظامی، اقتصادی و ژئواستراتژیک در دوران مدرن منجر شده است: محور سه‌گانه روسیه، چین و ایران...» «به طرز شگفت‌انگیزی، از پرتگاه یک جنگ نیابتی منطقه‌ای علیه روسیه، به آتش یک درگیری جهانی که به طور فزاینده‌ای در حال اوج‌گیری است و اکنون ایران، چین و روسیه آن را وجودی می‌دانند، رسیده است.» «به نظر من، این مطمئناً توضیح‌ناپذیرترین و مهم‌ترین سری اشتباهات ژئوپلیتیکی در تاریخ ثبت‌شده است.»